**شیوه های هدایتی امام حسین (علیه السلام ) در روز عاشورا**

**لیلا جوادی فرد[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

امام حسین (علیه السلام)شیوه های متعددی جهت هدایتگری امت اسلامی در روز عاشورا داشتند . این پژوهش شیوه های هدایتگری ایشان را مورد برسی قرار داده است .هدف از این پژوهش این است که با یاری گرفتن از این روش ها بتوان سبب تبلیغ باور های دینی شد وهم چنین از ارزش های دینی حراست کرد .این پژوهش شیوه های هدایتی امام (عیه السلام) را به صورت نقلی تاریخی و با گرداوری داده ها از طریق منابع کتابخانه ای و بارویکرد توصیفی تحلیلی و با هدف بنیادی صورت داده است .نتیجه حاصل از این پژوهش این است که بهترین ابزارها و اسلوب های تبلیغ در اختیار مبلیغ قرار گیرد تا با بهره گیری از این روش ها بتوانند باعث اصلاح بهتره جامعه ،خنثی کردن طوطئه های فرهنگی دشمنان وترویج پر رنگ تر نهضت حسینی شوند.

**کلید واژه: امام حسین (علیه اسلام )،شیوه، هدایت ، واقعه عاشورا ، تبلیغ**

**مقدمه**

واقعه عاشورا نهضتی است سرتا سر درس ازجهات مختلف از جمله:فرهنگی ،سیاسی ،اجتماعی و تبلیغی ،که بین تمامی این موارد امروزه تبلیغ حرف اول را می زند .تبلیغ به معنای ترویج ایمان است و نقش بسیار مهمی در نشرو حراست از ارزش های دینی را داشته از همین رو است که همه پیامبران از این روش برای ترویج دین استفاده کرده اند.امام حسین «علیه السلام»نیز از بهترین ابزار و اسلوب ها برای ترویج دین در نهضت عاشورا استفاده کردند نظیر:ارسال نامه و سفیر ،خروج از مدینه به مکه ،خروج از مکه به سوی کوفه ، دعا ،سخنرانی و همراه بردن زنان و بچه ها ......تمام این امور سبب جاودانگی نهضت عاشورا شد.همچنین امروزه مبلغین می توانند با بهره گیری از این روش ها به اصلاح جامعه و رفع فساد کمک کنند ، امام حسین(علیه السلام) را بهترین الگوی دینی و فرهنگی بر گزینند.همچنین مقالات فراوانی در این باره نوشته شده است از جمله :مقاله هدایتگری عاشورا و امام مهدی(عج) از فاطمه حسینی رحمت آبادی، در این پژوهش ابتدا جنبه های مختلف هدایت از منظر قرآن بررسی شده سپس چگونگی تحقق آن در قیام ها بررسی می گردد،مقاله ابزار های تبلیغاتی تداوم نهضت حسینی (علیه السلام) از حامدعلی اکبر زاده ،در این پژوهش ضمن تشریح اهمیت و جایگاه تبلیغ در آموزه های قرآن و روایات اهل بیت (علیه السلام)ابزار های تبلیغی نهضت عاشورا را با نگاهی به سیره عملکرد حضرت زینب (سلام الله علیها )در زنده نگهداشتن دستاورد های قیام خونین برادر شهیدش حضرت ابا عبدالله(علیه السلام)مورد بررسی داده است در نتیجه حضرت زینب (سلام الله علیه )پیام آور عاشورابود و آنچه امروز از امام حسین (علیه السلام)در قلب ها ثبت شده ،حاصل تحمل رنج ها و مصایب و مبارزات این بانوی بزرگوار اسلام است ،مقاله شیوه های تبلیغی امام حسین (علیه السلام)و اهلبیتشان در خطبه ها و احتجاجات در قیام عاشورا از نصرت نیل ساز و مرجان شیری محمدآبادی، امام حسین (علیه السلام )و یارانشان با اهداف و مقاصد متعددی علیه حکومت جور و ظلم بنی امیه قیام کردند یکی از این اهداف تبلیع دین است در طول این قیام ایشان در خطبه ها و احتجاجات متعدد با استفاده از شیوه های مختلفی جامع اسلامی را از خواب بیدار کرده و درس آزادگی وظلم ستیزی به بشریت داده است.تفاوت این پژوهش و سایرپژوهش ها در این است که این مقاله به شیوه های هدایتی امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا پرداخته است.نتیجه حاصل از این پژوهش این است که مبلغین بتوانند با بهترین ابزار و اسلوب ها به اصلاح جامعه بپردازند وسبک زندگی حسینی را به صورت نوین در جامعه ارائه دهند.

**1-مفهوم شناسی**

**1-1تبلیغ**

تبلیغ از ریشه بلوغ و بلاغ است ، در قرآن کریم واژه تبلیغ و مشتقات آن 27بار تکرارشده است ،تبلیغ در لغت به معنای رساندن پیام و رسانندگی است ولی در فرهنگ اسلام،آنچه از این واژه منظور بوده هست بیش از رساندن صرف پیام است ،بلکه باید ابلاغ مبین صورت بگیرد،پیام باید رسا ،گویا ،متناسب با فرهنگ هر عصر باشد.معنای اصطلاحی تبلیغ به معنای طرح و انتقال پیام برای تحت تاثیر قرار دادن مخاطب می باشد اعم از پیام دینی ،سیاسی،تجاری است.

تعریف تبلیغ از نگاه دینی:تلاش برای رشد انسانها و تبیین روشن گفتاری و رفتاری مغارف ناب و زلال دینی با براهین متقین و زیبا ترین مناظره،موعظه نیکو،بشارت و اندرز مردم با پرهیز اجبار دیگران بر پذیرش.

تبلیغ مرحله شناساندن و خوب رساندن است ،پس مرحله ی شناخت است. تبلیغ خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمین است ،وظیفه ای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است.

همان طور که ما سخن بلیغ و غیر بلیغ داریم ،نهضت بلیغ و غیر بلیغ نیز داریم نهضت بلیغ نهضتی است که پیامی را که میخواهد به دلها و فکر ها و احساسها ابلاغ بکند و برساند،بخوبی برساند. از این جنبه وفتی نگاه می کنیم ،می بینیم که بلیغتر و رسا و رساننده تر از نهضت حسینی،نهضتی پیدا نمی شود .نهضتی که از نظر ابعاد مکانی جهانی شده و از نظر زمانی هم قدرت رسانندگی و قدرت نفوذش نه تنها کاسته نشده بلکه افزایش یافته و نهضت فوق العاده قوی است.

**1-2شیوه**

شیوه :در لغت به معنای روش و قاعده است.

شیوه در اصطلاح:فرآیند عقلانی و غیر عقلانی ذهن برای دست یابی به شناخت یا توصیف واقعیت.

**1-3هدایت**

هدایت از ریشه هداء و در لغت به معنای سکون ،آرامش ،بدون سر و صدا و حرکت سکونت گزیدن میباشد.

معنای اصطلاحی هدایت :نشان دادن هدف و راهنمائی افراد.در برخی موارد مقصود از هدایت پایداری واستوار ماندن در مسیر و راه راست است .بنابراین هدایت ،شناخت درست و صحیح هدف و پایداری درمسیر است و هدایت در عام ترین معنای خود شامل همه مخلوفات خداوند می گردد.هدایت بر دو نوع است هدایت عامه که شامل همه افراد چه کافر چه مسلمان می شود و نوع دوم هدایت خاصه که مخصوص مومنان است.

**2-شرح مختصری از واقعه عاشورا**

پس از شهادت امام حسن (علیه السلام) برادرشان امام حسین (علیه السلام )به امامت رسیدند ، مردم عراق از امام خوستند که بر ضد مغاویه قیام کند ،امام حسین(علیه السلام) به آنها گفتند :(برادرم با معاویه قراردادی را امضاءکرده است که تا مدت آن تمام نشود نمی توانم آن را نقض کنم .)یکی از مفاد قرار داد صلح امام حسن (علیه السلام )این بود که خلافت فقط در دست معاویه باشد وآن را موروثی نکند و چون معاویه هنوز زنده بود ،امام حسین (علیه السلام) ده سال را به همین منوال سپری کردند تا آنکه معاویه مرد. با مرگ معاویه تعهد امام حسین (علیه السلام)به معاویه هم تمام شد . اما برخلاف پیمان صلح امام حسن (علیه السلام )و معاویه بن ابی سفیان خلافت به صورت موروثی به یزید رسید. امام حسین (علیه السلام) که حکومت اموی را ظالم و گمراه می دانستن بیعت با یزید را نپذیرفتند .در مقابل یزید امام حسین(علیه السلام ) را تحت فشار قرارداد وچون امام حاضر به بیعت نبود ،به جنگ برخاست .امام پس ار آنکه در مدینه تهدید شد از مدنیه به سوی مکه حرکت کردند ،امام پس از پنج روز راه را به پایان برد ، در شب جمعه سوم ماه شعبان به مکه وارد شد.امام با بهره گیری از موقعیت مکه وانبوه مردمانی که به نیت زیارت و عبادت در موسم حج و عمره در آنجا گرد می آمدند ،به بیدارگری و آگاهی می پرداخت ،سپس با دریافت نامه های بیعت هوادارانش عازم کوفه شد اما در مسیر حرکت از مکه به کوفه با پیش قراولان سپاه کوفه مواجه شد ،تغییر مسیر داد وسرانجام در 2محرم به کربلا رسیدند.روز بعد عمربن سعد با4000نفر در کربلا اردو زد.در 7 محرم آب را بر حسین بن علی وهمراهانش بستند و در 9 محرم ،شمر با نامه ای از طرف عبیدالله بن زیاد ،حاکم کوفه وارد کربلا شد . او در این نامه به عمر بن سعد دستور داده بود با حسین بن علی بجنگد و اورا بکشد و اگر این کار از دست او بر نمی آید،فرماندهی را شمر واگذارد.صبح روز دهم ،امام حسین (علیه السلام لشکریانش را آماده کرد . سمت چپ سپاه را به حبیب بن مظاهر ،سمت راست را به زهیز بن قین و پرچم را به حضرت عباس سپردند. و دستور دادند که دو تا دور خیمه ها ،هیزم جمع آوری کنندو هیزم ها را آتش بزنند . امام نیز به خیمه ای که آماده کرده بود رفت و خود را معطر به مشک نمود و نوره به سر و تن مالید وخود را شست. سپس در حالی که سوار بر اسببود و قرآنی به دست داشت ،مناجات زیبایی با خداوند نموده و با مردم کوفه نیز سخن نمود و فرمودند:خدا ولی اوست و دین را محافظت خواهد کرد . به مردم سخنان پیامبررا که وی و امام حسن (علیه السلام ) را سرور بهشت خوانده بود و جایگاه خانواده اشان را یاد آوری نمودند و از آنان خواست تا فکر کنند که آیا کشتن وی ،امری مشروع است؟سپس مردم کوفه را به خاطر اینکه پیشتر از وی خواسته بودند تا پیش شان بیاید ،سرزنش ننود و در خواست کرد تا اجازه دهند وی به یکی از سر زمین های اسلامی برود که در آنجا امنیتش تامین باشد . اما دوباره به گفته شد که اول از همه بایدتسلیم یزید گردد . امام حسین (علیه السلام) در پاسخ گفتند: هیچگاه خود را مانند یک برده تسلیم نمی کند.امام حسین (علیه السلام)از اسب پیاده شد و دستور داد تا مهار اسب را ببندند به نشانه اینکه هرگز از معرکه جنگ فرار نخواهد کرد.حرو سر انجام حربن یزید ریاحی تحت تاثیر قرار گرفت و به سپاه امام حسین (علیه السلام ) رفت و کوفیان را بخاطر خیانت به امام سرزنش کرد که البته تاثیری بر روی آنان نگذاشت و سر انجام جر در میدان نبرد کشته شد . امام حسین (علیه السلام ) دستور داد تا پشته ای از چوب و نی در خندقی پشت خیمه ها سوزانده شود تا مانع حمله از پشت گردد .از طرف جلو،او توسط یاران خودش حمایت می شد و تا پایان جنگ در گیر نبرد نشد. زهر بن قین از مردم کوفه خواست که به حرف امام حسین (علیه السلام) گوش داده وی را نکشند. اما آن ها با دشنام و تهدید پاسخ وی را دادند و سپس زهیر ازآنان خواست که دست کم از کشتن امام چشم پوشی کنند اما کوفیان شروع به تیر اندازی نمودند . جنگ شروع شد. جناح راست سپاه کوفه به فرماندهی عمرو بن حجاج زبیدی حمله برد ،اما با مقاومت لشکر امام مواجه شد و عقب نشست .عمرو دستور دادکه لشکرش تن به نبرد تن به تن نداده و تنها از دور اقدام به تیر اندازی کنند.جناح چپ به سپاه کوفه به رهبری شمر حمله کرد و محاصره ای بی نتیجه انجام داد و فرمانده سواران سپاه ،از ابن سعد خواست که پیاده نظام و کمانداران را به کمک وی بفرستد.شبث بن ربعی که قبلا از حامیان امام علی (علیه السلام)بود،حال در لشکر کوفه و تحت امر پیاده نظام ابن زیاد بود.وقتی به وی فرمان حمله داده شد ،آشکارا گفت هیچ میلی به انجام این کار ندارد و سواره و500کماندار این کار را انجام دادند .سواران لشکر امام حسین (علیه السلام)که پاهای اسبشان قطع شده بود مجبور به پیاده جنگیدن شدند.رویارویی با امام حسین(علیه السلام) و هاشمیان تنها از مقابل امکان داشت از این رو ابن سعد دستور داد که لشکریانشان از همه جهات به سمت خیمه های امام حسین (علیه السلام) رفته تا آنها را بر چینند. اما برخی از حامیان امام حسین (علیه السلام) در میان خیمه ها حرکت کرده و با آن ها سرسختانه جنگیده و مقاومت کردند.ابن سعد دستور دادکه خمیه ها را آتش بزنند .در آغاز این کار به سود امام حسین (علیه السلام) شد ،چون آتش باعث شد ورود سپاهیان عمر بن سعد جلو گیری شود . شمر به سمت خیمه ی زنان پیش روی نمود می خواست خیمه ها را بسوزاند که همراهانش وی را سرزنش نموده که شرمگین شد و از این کار منصرف گردید.در یک حمله ،سپاهیان ابن زیاد ،خیمه های امام حسین (علیه السلام)را آتش زدند که این آتش مانع از پیشروی سپاهیان ابن زیاد شد. در ظهر ،امام حسین(علیه السلام) و یارانش نماز ظهر را به صورت نماز خوف به جاآوردند . بعد از ظهر ،سپاهیان امام حسین (علیه السلام)به شدت در محاصره قرار گرفتند . سربازان امام حسین پیش رویش کشته می شدند و کشتار هاشمیان نیز که تا آن لحظه وارد میدان جنگ نشده بودند ،شروع شد.اولین فرد هاشمی که کشته شد حضرت علی اکبر پسر امام حسین (علیه السلام)بود .حضرت علی اکبر در مقابل چشمان پدرشان نزدیک به ده مرتبه به میدان نبرد رفت و چندین تن را کشت ،تا آنکه بربدنش زخمهای بسیار وارد شد و تشنگی بر او غلبه کرد ،و تاب و توانش را ربود، ناگزیر به سوی پدرو گفت :(یا ابت العطش قد قتلنی و ثقل الحدید اجهدنی فهل الی شربةٍمن ماء سبیل =(پدرم تشنگی مرا کشت ،و سنگینی سلاح آهنین بی تابم کرد،آیا جرعهدآبی پیدا می شود؟)امام حسین (علیه السلام)گریست و فرمود:«کو یاور و مدد کاری ؟فرزندم اندکی دیگر بجنگ،بزودی جدت پیامبر را دیدار می کنی ، و از جام او شربتی که پس از آن دیگر هرگز تشنه نشوی»سپس او به میدان جنگ بازگشت ،در حالی رجز می خواند به دشمن یورش برد و گروهی از آنان را به خاک افکند. مردم کوفه از کشتن او خودداری می کردند ولی مردی به نام مرة بن منقذ عبدی از پشت به او ضربه وارد کرد که باعث شد او از اسب به زمین بیفتد؛امام حسین (علیه السلام) که تا آن هنگام با گریه دیده نمی شد با دیدن سقوط پسرش شروع به گریه کرد. بعد از سقوط او ، دشمن او را احاطه و بدنش قطعه قطعه کردند.در آن حال فریاد زد :«پدرم !خداحافظ !هم اکنون جدم رسول خدا پیش من است وبرشما سلام میرساند و می گوید در آمدن نزد ما شتاب کن »این سخن را گفت و دنیا را بدرود گفت.سپس پسران عقیل و قاسم بن حسن کشته شدند.گفته شده قاسم جوان و زیبا بود و بشدت زخمی شده و از عمویش حسین در خواست یاری کرد.امام حسین (علیه السلام)خشمگینانه بر جست و با شمشیرش ضارب قاسم را ضربتی زد.آن شخص زیر سم اسب های سپاهیان ابن زیاد افتاده و لگدمال شد. وقتی گرد و غبار ناشی از سم اسب ها کنار رفت،امام حسین(علیه السلام)پدیدار شد در حالی که بدن قاسم را در آغوش داشت و به قاتلینش لعنت می فرستاد.امام حسین(علیه السلام) جسم بی جان قاسم را به خیمه هایش برد ودر کنار دیگر قربانیان قرار داد.سپس حضرت علی اصغر و حضرت عباس کشته شدند.حضرت عباس مردی خوش سیما ،و از شدت زیبایی به ماه بنی هاشم لقب یافته بود پیکری بلند داشت بگونه ای که چون بر اسب می نشست ،مرکب برایش کوچک می نمود و پاهایش بر زمین کشیده میشد.او در کربلا پرچمدار سپاه امام حسین (علیه السلام) بودند .هنگامی که حضرت عباس در آخرین لحظه های نبرد امام خود را تشنه و تنها بی یاور می بیند ،و سپاه دشمن را نیز می نگرد که در برابرش صف کشیده اند و از دست یافتن او بر آب پیشگیری می کنند،خشمگین بر دشمن حمله می کند پس صفوف دشمن را در هم شکست و خود را به فرات رسانید و مشک را پر آب کرد،آنگاه سوار اسب شد و حرکت کرد. دشمن راه را بر روی او بستند ،او بر آنان یورش برد ،و گروهی را به خاک افکند . و دوباره به راه خویش ادامه داد،در این هنگام زید بن ورقاءجهنی که پشت درختی کمین کرده بود،و حکیم بن طفیل سنبسی هم اورا همراهی می کرد،ضربه ای بر دست راست حضرت عباس زد،و آن را از پیکر جدا کرد.پس شمشیر را به دست چپ گرفت وبر او حمله کرد،او چندان به نبرد ادامه داد که خسته و ناتوان شد،آنگاه حکیم بن طفیل طایی که پشت درخت کمین کرده بود، شمشیری بر دست چپ آن حضرت فرودآورد و آنرا از تن جدا کردوسپس برفرق جضرت کوبید که در اثر آن امام به شهادت رسید.امام حسین(علیه السلام)برای وداع آخرین به سوی خیام آمد،آن گاه در حالی که شمشیرش را از غلاف بیرون آورد در برابر دشمن قرار گرفت و جنگ نمود.ناگاه تیری سه شعبه به قلب مبارکش اصابت کرد در حالی که نشان یکصد و چند تیر و نیزه بر پیکرش بود،نقش بر زمین شد و روح مبارکش به ملکوت اعلی پیوست.[[2]](#footnote-2)

**3-علل قیام امام حسین (علیه السلام)**

**2-1احیای**

عاشورا حسینی ، برنامه ای احیاگرانه نسبت به دین و جلوه های گوناگون آن بوده ،تا در سایه بذل خون و نثار جان ،دین برپا شود و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)سرمشق عملی مسلمانان گردد و عزت دین خدا به جامعه باز کردد.نهضت کربلا هم یک حرکت احیا گرانه نسبت به اساس دین و احکام الله بود. در مطالعه سخنان امام حسین(علیه السلام)،تکیه فراوانی روی احیای دین و اجرای حدود الهی و احیای سنت و مبارزه با بدعت و فساد و دعوت به حکم خدا و قرآن دیده می شود.حمایت از دین و فداکاری در راه آن ،جلوه دیگری از احیا گری است و اگر آن جهاد و شهادتها نبودند،اساس دین باقی نمی ماند .اگر صدای اذان و آوای تکبری پا برجاست ،نتیجه آن فداکاری هاست.سید الشهدا چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می کنند ،با اسم خلافت اسلام ،خلافکاری و ظلم می کنند و این منعکس میشود در دنیا که خلیفه رسول الله است که دارد این کار ها را می کند ، حضرت سید الشهدا (علیه السلام) تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته بشوند و محو کنندآثار معاویه و پسرش را.

**2-2براندازی حکومت طاغوت**

در تمام عرصه ها و مبارزه پیگیر و عمیق با حکومت های طاغوتی ،نهی ا ز منکر و نفی طاغوت ازعلل اصلی نهضت عاشورا بود واساس این نهضت را تشکیل می داد ، مبارزه ای که با بیعت نکردن با طاغوت شروع شد و با نهضت و انقلاب خونین و شهادت برای واژگونی کاخ استبداد طاغوت و برقراری عدل الهی پایان یافت.

الهام انقلابیون مسلمان ایران دستمایه مبارزات آنان با رژیم طاغوت شد زیرا قیام امام حسین (علیه السلام)نه تنها حکومت یزید را سر نگون کرد بلکه خاندان بنی امیه و حکومتهای جائررا منفوررین افراد حکومت ها نزد مسلمانان، به ویژه شیعیان ساخت و در سالهای جنگ نیز ،رزمندگان حق طلب ،به خاطره مبارزه با باطل قدم در میدان های جهاد و شهادت گذاشتند هر چند که مبارزه با میدان باطل بسیار گسترده تر از عملیات نظامی است ،وقتی بروز باطل در صحنه های سیاسی، فرهنگی ،اعتقادی ،مطبوعات ،روابط سیاسی و......باشد ،آنجا هم باید با باطل مبارزه کرد تا حق روشن و حاکم گردد.. از همین رو مردم مسلمان و انقلابی ما در صحنه های مختلف با مستکبران مبارزه می کنند.

**2-3مبارزه با اندیشه های انحرافی**

جامعه اسلامی در سالی که قیام کربلا رخ داد ،نسبت به آخرین سال حیات پیامبر تغییرات فروانی یافته بود. درست است که سیر پیداش انحراف تدریجی بود،اما پایه های آن در دید بسیاری از محققین از همان سالهای اولیه بعد از رحلت پیامبر به وجود آمده بود .انحرافات مزبور در زمینه هایی بود که اهل سیاست می توانستند به راحتی از آنها در تحمیق مردم و نیز توجیه استبداد و زورگویی خود استفاده کنند.بنی امیه در پیدایش و گسترش این انحرافات ،نقش عظیمی داشتند . بویژه روی کار آمدن یزید نشان داد که بنی امیه هیچ اصالتی برای اسلام قائل نبودند و از آن تنها به عنوان وسیله و پوششی برای توجیه و پذیرش حاکمیت خود سود می جستند .در دیدگاه امام حسین (علیه السلام ) ،بنی امیه ستمگرانی بودند که «طاعت شیطان را پذیرفته ، طاعت خداوند را ترک گفته،فساد را ظاهر ساخته، حدود الهی را تعطیل و به بیت المال تجاوز کرده اند ».همچنین بسیاری از مفاهیم دینی را تحریف کرده و یا در مجاری غیر مشروع از آنها بهره گیری می کردند و امام به خود واجب دید که با این اندیشه های انحرافی مبارزه کند .امام برای نشان دادن اینکه دین حاکم ،اسلام پیامبر نیست جز با کلامی از جان و خطی از خون نمی توانست کاری کند . و شهادت مظلومانه اش برای نجات دین از انحراف ها بود.علامه مجلسی درباره قیام امام حسین(علیه السلام)این چنین بیان میکند که:اگر خوب تامل کنی ،در خواهی یافت که امام حسین (علیه اسلام)خود را فدای دینش کرد و ارکان حکومت اموی متزلزل نشد مگر پس از عاشورا ،و کفر و گمراهی مردم ظاهر نشد ،مگر بعد از شهادت او. طبیعی است اگر امام حسین(علیه السلام) کوتاه می آمد و قیام نمی کرد نتیجه ای جز تقویت حکومت امویان نداشت و حق و باطل بر مردم مشتبه می شد و پس از چندی دین نابود و آثار هدایت مندرس میشد.

**2-4امربه معروف و نهی از منکر**

امربه معروف و نهی از منکر عنصر اصلی نهضت عاشورا می باشد،که خود امام مکرر و با صراحت کامل این عنصر را یک اصل مستقل و یک عامل اساسی ذکر نموده و به آن استناد کرده است.به موجب همین عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند ،برای همیشه یاد آوری شود و آموزنده باشد. همه عوامل آموزنده هستند ولی این آموزندگی بیشتری دارد زیرا نه متکی به دعوت است و نه متکی به تقاضای بیعت.یعنی اگر دعوتی از امام نمی شد امام به موجب امر به معروف و نهی از منکر نهضت می کرد. واگرهم تقاضای بیعت از او نمی کردند باز امام ساکت نمی نشست.حسین بن علی (علیه السلام) ارزش امر به معروف و نهی از منکر را چقدر بالابرده است. همان طور، که اصل امر به معروف و نهی از منکر ارزش نهضت حسینی را بالا برد،چون امام حسین(علیه السلام)فهماند که انسان در راه امر به معروف و نهی از منکر به جایی میرسد که مال و آبروی خودش را باید فدا کند ،ملامت مردم را باید متوجه خودش کند.

**3-شیوه های هدایتی امام حسین (علیه السلام)**

تبلیغ در قیام امام حسین(علیه السلام) در دو مرحله صورت گرفت:مر حله اول :از آغاز قیام شروع شد و تا ظهر عاشورا ادامه یافت و رسالت آن را امام و یارانش به عهده داشتند . امام در تبلیغات خود موفق بود،زیرا بار ها از رهبر عادل سخن گفت و یزید را فاسق و فاجر خواند و همگان را به قیام علیه رهبر ستم گر فرا خواند. نیز رهبری یزید را مساوی با از بین رفتن اسلام دانست و حکومت را بر آل ابی سفیان حرام شمرد . از سوی دیگر به مردم بصره و کوفه نامه نوشت و مردم را از اهداف قیام خود آگاه کرد.امام حسین (علیه السلام)هنگام حرکت به سوی مکه ،وصیت نامه خویش را تدوین نمود وبه برادرش ،محمد حنفیه داد.انتخاب مکه مناسب ترین مکان برای اهداف انقلاب بود،زیرا هر یک از حاجیان مانند گزارش گران و خبر نگرانی بودند که می توانستند پیام آن حضرت را به سراسر جهان اسلام برسانند.و مرحله دوم بعد از عاشوراست گه که مسئولیت آن برعهده اهل بیت امام حسین(علیه السلام) بود . که این موضوع مورد بحث ما نیست.

مسئله تبلیغ به همان معنای صحیح و واقعی ،رساندن و شناساندن یک پیام به مردم است ،آگاه ساختن مردم به یک پیام و معتقد کردن و متمایل نمودن و جلب کردن نظر های مردم به یک پیام است.رساندن یک پیام ، اسلوب و روش های صحیح می خواهد و تنها با روش صحیح است که تبلیغ موفقیت آمیزخواهد بود.امام حسین (علیه السلام)در این حرکت ونهضت خودشان ببینید چه روش های خاصی را بکار بردند که مخصوصا ارزش تبلیغی دارد،یعنی از این نظر ارزش زیادی دارد که امام حسین(علیه السلام)با این روشها هدف و مقصد خودشان و فریاد واقعی اسلام را که از حلقوم ایشان بیرون می آمد به بهترین نحو به مردم رساندند.حال ما قسمتی از این شیوه های تبلیغی را بیان می کنیم:

**3-1شیوه های هدایتی کلامی**

**3-1-1بهرمندی از آیات قرآن کریم**

امام حسین (علیه السلام) بارها به آیات قرآن استناد نمودند،گاهی یک یا چند به یک آیه یا چند آیه پرداخته گاهی قسمتی از آن را قرائت کرده و گاهی هم به طتبیق آیه بر خود یا مخالفان خود پرداخته اند. مانند:آیه178سوره آل عمران«وَلَا یَحسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّمَا نُملِی لَهُم خَیرٌ لِأَ نفُسِهِم إِنَّمَا نُملِی لَهُم لِیَزدَادُوا إِثمًا وَ لَهُم عَذَابٌ مُّهِینٌ. مَّا کَانَ اللهُ لِیَذَرَا المُومِنِینَ عَلَی مَا أَنتُم عَلَیهِ حَتَّی یَمِیزَ الخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ»=(و کسانی که کافر شدند ،مپندارند مهلتی که به آنان می دهیم برایشان خوب است،همانا به آنان مهلت می دهیم تا بر گناه خود بیفزایند و برای آنان عذابی خوار کننده است.خداوند مومنان را وانگذارد بر آنچه که شما بر او هستید ،تاآنکه پلید را از پاک جدا گرداند**.)[[3]](#footnote-3)**

قرآن ،واژه لاتحسبن «گمان نکنید»را بارها خطاب به کفار و منافقان و افراد سست ایمان بکار برده است ؛زیرا این افراد از واقع بینی و تحلیل درست و روشن ضمیری لازم محرومند.آنها آفرینش را بیهوده ،شهادت را نابودی ،دنیا را پایدار،عزت را در گرو تکیه بر کفار و طول عمر خود را کایه ی خیر و برکت می پندارند که قرآن برهمه ی این پندارها خط بطلان کشیده است.[[4]](#footnote-4)

**3-1-2احادیث نبوی**

**الف)احادیث نبوی**

امام حسین (علیه السلام) در تایید حقانیت خود گاهی به نقل از حدیث پیامبر پرداخته و گاهی تنها اشاره به حدیث پیامبر کرده که چندین مرتبه از این روش استفاده کرده اند.امام در سخنانشان از حدیث پیامبر (ص) عاقبت دنیوی دشمنان را بیان می کنند :«هان به خدا سوگند که پس از آن جز به مقدار سوار شدن اسبی نخواهید زیست تا که آسیاب بچرخد و قلابتان بلرزد .عهدی است که پدرم از جدم برای من نقل کرده است.پس فکر خویش و همراهان خود جمع کنید و همگی با من پیکار کنید و مهلتم ندهید ،که من بر خدا که پروردگلر من و شماست تو کل کرده ام و هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه زمام امورش به دست خداست پروردگارم بر راهی راست است.» همچنین امام در جایی دیگر بیان می کنند:آیا مگر به شما نرسیده است گفتار رسول خدا که درباره من و برادرم فرمود :«**این دو نفر سید و آقای جوانان بهشت هستند»؟**

**ب)امام حسن (علیه السلام):**

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در بستر بیماری قرار گرفته بود و امام حسین(علیع السلام)برای عیادت برادر آمد،وقتی وارد اطاق شد وبرادرش را در تب و تاب دید بنا کرد گریه کردن امام حسن (علیه السلام)فرمود :«برای چه گریه می کنی؟اظهار داشت برادرم !چرا گریه نکنم حال آنکه شما را مسموم ومن را بی بردار کرده اند.امام حسن(علیه السلام)فرمود:«برادرم مرا به زهر میکشنددر حالی که تمام وسائل حاضر است (آب بخواهم آماده است،شیر بخواهم آماده است و......برادران و خواهران همگی اطراف من جمعند)اما هیچ روز مانند روز عاشورا تو نیست روزی که سی هزار نفر از کسانی که خود را امت جدمان می دانند تو را محاصره می کنند و بر کشتن تو همت می گمارند تا تو را بکشند و خونت را بریزند و زن و فرزندانت را اسیر نمایند ، ومال و اموالت را به غارت برند،در این هنگام لعنت خدا بربنی امیه روا گردد و آسمان و زمین حیوانات دریایی وصحرایی بر تو خواهند گریست.»

**ج)احادیث علوی:**

امام علی (علیه السلام)شب 21ماه رمضان سال آخر عمر ،فرزندش جضرت عباس را درآغوش گرفتند و فرمودند:(ولدی اذا کان یوم عاشورا و دخلت المشرعه ،ایاک ان تشرب الماءو اخوک الحسین(ع) عطشان)فرزندم چون روز عاشورا فرا رسیدو داخل شریعه شدی ،مبادا آبی بیاشامی در حالی که برادرت حسین تشنه است.)

**3-1-3شهادت براصول اسلامی**

خدا باوری و توحید در منطق امام (حسین علیه السلام) تنها در مرتبه اندیشه و نظر به نمایش در نیامده است، امام سنبل عبودیت و بندگی خدا به حساب می آید . تجلی بندگی و عبودیت امام را می توان در نماز های روز و شب عاشورا مشاهده کرد.امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا باور توحیدی را با عملکرد توحیدی تلفیق دادند ،علاوه بر این ها اعتقاد راسخی بر حقانیت پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله ) و رسالت ایشان داشتند،در زمان امام هر چند افراد در ظاهر به رسالت و حقانیت پیامبر اعتقاد داشتند ولی با ایستادن در برابر فرزند رسول خدا و بی توجهی به فرامین الهی او به واقع منکر رسالت شدند،این در حالی است که صحنه عاشورا و منطق توحیدی و الهی امام حسین (علیه السلام)به خوبی حکایت از التزام به توحید و فرامین نبوی دارد.

امام حتی در خطابه های حماسی که برای یاران خویش یا برای بیداری و هشدار خطاب به سپاه دشمن داشت ،یکی از محور ترین موضوع هایی که مطرح می کرد خدا،قیامت ، بهشت و جهنم......بود؛به خصوص در لحظه های بحرانی و شدید روحی ، یاد خدا، قوت قلب و عامل ثبات آن حضرت بود.امام حسین (علیه السلام) یاد خدا را مایه آرامش همراهان نیز ، قرار می داد.شب عاشورا وقتی حضرت زینب (سلام الله علیه)را نگران و پریشان دید، او را متوجه بقا و جاودانگی خداوند ساخت تا بداندجز ذات خدا همه رفتنی هستند.

**3-1-4موعظه**

اندرز های خود ابا عبدالله:«إنَّ النَّاسَ عَبیدُ الدُّنیا؛وَ الدَّینُ لَعقٌ عَلی اَلسِنَتِهِم؛یَحُوطُونَهُ مَا دَرَّت مَعائِشُهُم فَإذا مُحَّصُوا بِالبَلاءِ قَلَّ الدَّیَّانُونَ.»(مردم بندگان دنیا هستند،. دین چون آب دهانیست که بر روی زبانهای آنان جاری است،و تا جائیکه معیشت های آنان فراوان است ؛متعهد و حافظ دین هستند اما زمانیکه به بلایا و مشکلات آزمایش شوند؛دینداران حقیقی به شمار اندک خواهند بود.امام بارها ازین شیوه در عاشورا استفاده کرده اند چون موعظه دل ها را نرم می کند.[[5]](#footnote-5)

**3-1-5بیان نسب**

مبلغ برای اینکه مطلبی را در ذهن مخاطب حک کنند از این روش استفاده می کنند و امام از این روش بارها در عاشورا استفاده کردند مانند:هنگامی که امام حسین(علیه السلام) به مردم عراق گفتند:« ای مردم! سخنم را بشنوید ،و شتاب مکنید تا شما را اندرز دهم به آنچه حق است و باید من به شما برسانم !عذر خویش را بر شما آشکار کنم،پس اگر نسبت به من انصاف روا داشتید،سعادتمند شوید ،واگر انصاف ندادید ، باهم بیندیشید و تصمیم خود را بگیرید تا پس از آن،کار شما برایتان اندوه و نگرانی پیش نیاورد.» سخنانش به گونه ای بود که هرگز شنیده نشده است که سخنوری پیش و یا پس از وی در گفتار ،بلیغ تراز او باشد .پس ازآن فرمود:«اما بعد،پس نسبت و خاندان مرا بسنجید و بنگرید که من کیستم؟آنگاه به خود آیید و خویشتن را سرزنش کنید ،پس از آن ببینید که آیا کشتن من و دریدن پرده حرمتم برای شما شایسته است؟آیا من پسر و دختر پیامبر شما و فرزند وصی او که پسرعموی پیامبر و نخستین کس از مومنان بود که تصدیق کرد آنچه را که پیامبر از نزد پروردگارش آورده بود ،نیستم؟آیا جعفر طیار ،که در بهشت با دو بال پرواز می کند،عموی من نیست؟آیا آنچه را که پیامبر خدا درباره من و برادرم فرمود به شما نرسیده است؟[[6]](#footnote-6)

**3-1-6خطبه خوانی**

حاکمان جور،شیوه و ابزار تبلیغات را با توجه به اوضاع اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جوامع تحت سلطه خود انتخاب می کنند تا تبلیغات آنان علیه مخالفان موثر باشد .براین اساس بنی امیه ،امام حسین(علیه السلام)را آشوبگر ،عامل تفرقه ،و مخل امنیت جامعه اسلامی معرفی کرده اند.آنان برای این که افکار عمومی را آماده کنند،احادیثی را دست مایه خود کردند.همچنین با بهره گیری از مبلغان خود فروخته،به مردم القا می کردندکه امت اسلامی تحت رهبری نوه ابوسفیان از وحدت مطلوبی برخورد دار است و حفظ وحدت ضرورت دارد،امام حسین(علیه السلام)وحدت را برهم می زند و فتنه ایجاد می کند.مانند :عمرو بن سعید حاکم مکه در امان نامه خود به امام حسین(علیه السلام)امام را از فتنه برانگیزی برحذر میدارد. که امام با استناد به قرآن ،هدف قیام خود را بیان می کند و اتهام را رد می کند.

این شیوه ها بیان کننده آن است که تمام قیام عاشورا با برنامه ریزی کامل و مستندات محکمی چون قرآن و احادیث نبوی و علوی صورت گرفته است و بارها با شیوه های دیگر در روز عاشورا تکرار شده است تا شاید آن کور دلان از کار خود پشیمان شوند اما هیچ کدام در دل آنان اثری نداشت با اینکه امام در ر.ز عاشورابا زبان خود بیان کردند که پسر و نوه ی چه کسی هستند ،اما اثری نداشت.امام ازهرطریقی که می توانست تلاش در روز عاشورا تلاش و سعی خود را کرد تا آن ظالمان دست از کار خود بردارند اما نشد........

**3-2شیوه های هدایتی غیرکلامی**

**3-2-1مروت(قبوله توبه حر):**حر بن یزید ریاحی چون دید آن گروه آهنگ جنگ با امام حسین (علیه السلام) کرده اند به عمر بن سعد گفت :آیا تو با این مرد نبرد خواهی کرد؟ پاسخ داد :آری !بخدا سوگند چنان جنگ سختی که آسانترین آن افتادن سرها و بریدن دستها باشد.حر گفت :آیاآنچه را که به شما پیشنهاد کرد، خشنودتان نساخت؟ابن سعد پاسخ داد:اگر کار به دست من بود می پذیرفتم ،ولی عبیدالله از آن سر تافته است.

پس از این گفت و گو ، حر خود را از لشکر به کنار کشید و در جایی جدا از لشکر ایستاد ،پس کم کم به امام حسین (علیه السلام) نزدیک شد . یکی از لشکریان عمر سعد به او گفت :چه خواهی کنی؟آیا می خواهی حمله ببری؟

حر پاسخ داد : بخدا سوگند !خود را در میان بهشت و جهنم میبینم و سوگند بخهدا هیچ چیز را در برابرم نمی پذیرم ،اگرچه پاره پاره گردم ودر آتش سوزاننده شوم. آنگاه اسب خود را زد وبه امام حسین(علیه السلام) پیوست.چون در برابر امام حسین(علیه السلام) قرار گرفت ،عرض کرد:

جانم به فدای تو ای فرزند رسول خدا !من همان کسی هستم که نگذاشتم به وطن خویش بازگردی !و این راه را با تو پیمودم تا در این سرزمین تورا فرود آوردم !و گمان نمی کردم که این گروه پیشنهاد تورا نپذیزند !و نمی پنداشتم که کار تو را به اینجا برسانند !بخدا لگر می دانستم که ایشان ماجرا را به اینجا می کشانند هرگز چنین کاری را مرتکب نمی شدم!پس من ازآنچه انجام داده ام نزد خدا توبه میکنم !آیا در این صورت ،توبه من را پذیزفته و سودمند می بینی؟

امام حسین (علیه السلام )فرمودند:آری خدا توبه تورا می پذیرد و می بخشد ،تو آزاده ای ، همانگونه که مادرت نام تورا حر گذارد!تودر دنیا و آخرت انشاء الله آزاده ای !پس از مر کب فرود آی.[[7]](#footnote-7)

**3-2-2ایثار:**امام حسین(علیه السلام) نزدیک شب یاران خویش را گرد آورد . علی بن حسین(علیه السلام) می گوید:«من با آنکه آن شب را بیمار بودم ،ولی خود را نزدیک او رساندم ،شنیدم پدرم با پیروان خویش می گفت:(ستایش می کنم پروردگار را به نیکو ترین ستایشها،و سپاسگزارم او را به هنگام خوشیها و سختیها ،خداوندا!سپاسگزارم تو را که ما را به نبوت سرفرازی نمودی و قرآن را به ما آموختی و ما را نسبت به دین آشنا وبینا گرداندی ،و به ما چشم و گوش ودل ارزانی داشتی،پس ما را از سپاسگزاران قرار ده!اما بعد ،من یارانی با وفاتر بهتر از یاران خود نمی دانم و خانواده ای را نیکوتر ،صمیمی تر و برتر از خانواده خود نمی شناسم. بنابر این ،خداوند،از سوی من پاداشی شایسته به شما عنایت فرماید.آگاه باشید ،که گمان دارم این دشمنان روز بسوی ما یورش آوردند؛اینک من به شما اجازه دادام که از این جا بروید ،پس همه آزاد هستید،و هیچ گونه پیمان وتعهدی از من برگردن ندارید،اکنون شب است و تاریکی شما را فرا گرفته است آن را مرکب راهوار خود کنید .سپس هر یک از مردان شما دست مردی از اهل بیت مرا بگیرد و در روستا ها و شهر ها پراکنده شوید ،تا خدا گشایشی دهد ،زیرا این گروه تنها مرا می جویند و چون بر من دست یافتند از دیگران دست بر می دارند.»

**3-2-3وفا :**امام در شب عاشورا وفای یارانش را ستایش میکند درصورتی که شب عاشورا ،شب تعارف و تعریف و تمجید بی جا نبود ،بلکه خصلت وفای به عهد در وجود تک تک اصحاب اباعبدالله جلوه گری می کند.شب عاشورا حضرت زینب(سلام الله علیها)بیش از همه نگران فردا بود ،وقتی از برادرش می پرسد:(آیا یارانت را آزموده ای ؟مبادا در موقع سختی شما را تنها بگذارند ؟امام (علیه السلام)در وصف آنان می فرمایند:«و اللهِ! لقد بَلوتُهم فما وَجَدتُ فیهم إلّا الأَشوسَ الأَقَعَسَ ،یَستَأنِسون بالمنیّةِ دونی استیناسَ الطفل إلی مَحالبِ أمّه**»**

(به خدا سوگند !آری آن ها را آزموده ام و نیافتم آنان را مگر دلاور و غرنده و با صلابت و استوار .اشتیاق آنان به کشته شدن در پیش روی من،مانند اشتیاق طفل شیرخوار است به پستان مادرش.)[[8]](#footnote-8)

**3-2-4خداپرستی و عبودیت:**در عصر تاسوعا ،دشمن به خیمه ها حمله ور می شود آن گاه امام حسین(علیه السلام)از حمله آنان آگاه می شود برادرش (عباس بن علی علیه السلام)را می طلبد و از او می خواهد که شب عاشورا را مهلت بگیرد تا در آن شب به عبادت و راز و نیاز با خدا بپردازد و می فرماید:

«إنّی قد کنتُ أَحِبُّ الصلاةَ و الدعاءَ و الاستغفارَ و تلاوةَ کتابِه**»**

**«**بدرستی من عاشق و شیفته نماز و راز و نیاز ببا پروردگار عالمیان و استغفار وقرآن خواندن هستم.»

با وجود اینکه امام حسین (علیه السلام) از عزت و مناعت طبع برخوردار است ،برای پرستش خدا و نجوا با محبوب از دشمن تقاضای مهلت می کند.

**3-2-5شهادت و ازخود گذشتگی:**شهید با ایثار خون خویش ،خون گرم و زنده ای را در پیکر جامعه به جریان می اندازد و این خون،راه خدا را باز می کند و سدهاو موانع را از پیش پای مجاهدان بر می دارد . شهادت بالاترین آزمایشی است که شهید با موفقیت از آن بیرون می آیدو رستگاری و جایگاه رفیع او در جنت نعیم الهی تضمین خواهد شد. امام حسین(علیه السلام)و یارانش همه با داشتن چنین دیدگاهی از حیات و سعادت ،مرگ شرافتمندانه در راه حق و مبارزه با ستم را برگزیدند.روز عاشورا ،بین «زهیر بن قین»،«شمر»،حرف های تندی رد و بدل شد،آنگاه زهیرخطاب به شمر چنین گفت:

أفبالموتِ تُخَوَّفُنی ؟فواللهِ!لَلموتُ معه أَحَبُّ إلیَّ من الخُلدِ معکم

(آیا مرا از مرگ میترسانی ؟به خداقسم!مرگ با حسین«علیه السلام»و در رکاب او ،از زندگی جاودانه در کنار شما محبوب تر است.)

امام حسین(علیه السلام)و یارانشان با ایثار خون خود،برای ابد نهضت عاشورا را جاودانه ساختند و از نشستن هرگونه غبار فراموشی برآن جلوگیری کردند و هم چون شمعی به راه انسان های حق جو روشنایی بخشیدندو این پیام را برای همه نسل ها به ارمغان آوردندکه خون بر شمشیر پیروز است.[[9]](#footnote-9)

**3-2-6- رعایت اصول اجتماعی و برابری اسلامی:**در عرصه کربلا و در قاموس عاشورا ،بیانگر این است که نژاد و ملیت در فرهنگ شهادت و مکتب امام حسین(علیه السلام)راه ندارد و اختلاف رنگ و قومیت ،مانع از دفاع از حریم حریت،ایمان و عقیده نخواهد شد. مانند:(«جون»فردی سیاه پوست از تبار بردگان و آزاد ه ابوذر بود که پس از او،کنار امام حسن(علیه السلام) و امام حسین(علیه السلام) به سر برد تا اینکه به همراه کاروان امام به کربلا آمد. روز عاشورا ،وی به حضور امام(علیه السلام)آمد،اجازه خواست تا به میدان برود ،امام به وی فرمود:«تو به جهت تامین عافیت همراه ما بودی ،اکنون آزادهستی هرجا می خواهی برو وعافیت خود را به خاطر نینداز.»جون ، وقتی این سخن را شنید،گفت :(من به هنگام آسایش در کناره سفره شما باشم ولی هنگام سختی ،شما را تنها بگذارم؟آری من می دانم بدنم بدبواست،جسمم شریف نیست ،و رنگم سیاه است،اما اجازه بفرما تا با رفتن به بهشت،بدنم خوشبو،جسمم شریف و رنگم سفید شود.به خداسوگند!از شما جدا نخواهم شد تاخونم باخون شما مخلوط شود.جون،برخلاف برخی از مبارزان که در رجز خوانی به اصل خود اشاره می کنند،فقط به دفاع از خاندان پیامبرو امید به بهشت توجه دارد.پس از رویارویی قهرمانه با دشمن زبون وپست،در آستانه شهادت قرار گرفت.امام بر بالین این غلام سیاه حاضر شد و فرمود:«پروردگارا!رنگ چهره اش را سفید گردان ،و بوی بدنش را خوشبو ساز و اورا همراه نیکان محشورفرما.»نکته آموزنده در این حرکت عاطفی این است که بین فرزند دلبندش و غلام سیاهش فرقی نمی گذارد،بر بالین هر دو حاضر می شود و سخن می گوید.این ویژگی بیانگر زدودن نژادپرستی و حاکمیت برابری،در نهضت عاشوراست.

نهضت عاشورا طبق شیوه هایی که بیان شده،براساس حق پایه گذاری شده ، و آثار و فواید گرانبهایی که این نهضت در جهت هدایت و روشنگری انسان ها که تا کنون داشته ،سبب جاودانگی نهضت حسینی شده است.این شیوه ها نشان دهنده ی آن است که قیام امام حسین(علیه السلام) مقابله کننده با کفر ،ظلم ،ستم و بی عدالتی است ، که نهایتا این قیام منجر به اثبات حقانیت ارباب بی کفن حضرت ابا عبدالله حسین(علیه السلام) و یاران با وفایش بعد از گذشته هزار و چهارصد سال به عالمیان شد. [[10]](#footnote-10)

**نتیجه**

پس از آن که سپاهیان ابن زیاد راه را بر امام حسین (علیه السلام) بستند ،امام راهی سرزمین کربلا شدند. جنگ بین دو سپاه آغاز شد که در طی این ده روز امام بسیار تلاش کردند که این جماعت غافل را از گمراهی در آوردند،بخصوص در آخرین روز یعنی عاشورا .امام در آن روز از شیوه های متعددی ازجمله کلامی و غیر کلامی استفاده کردند تا آن غافلان را از خواب غفلت بیدار کنند اما بروی آن سیه دلان هیچ تاثیری نداشت و واقعه عاشورا رقم خورد.

امروزه همان شیوه های تبلیغی امام در روز عاشورا را می توان جزو بهترین ابزار و اسلوب ها برای دفع فتنه های دشمن و اصلاح جامعه و جلو گیری از فساد استفاده کرد . مبلغین هم متوانند با بهره گیری از این ابزار به گسترش زندگی حسینی رواج دهند.

**فهرست منابع**

1- قرآن کریم

2-قرائتی ،محسن ،تفسیر نور

3-بهشتی،ابوالفضل،فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا،قم؛موسسه بوستان کتاب،چاپ دوم،1385ه.ش

4-حسن زاده،صادق، تحف العقول،ناشرآل علی (علیه السلام)،چاپ اول ،1382ش

5-طبری،ابی جعفر محمد بن جریر،تاریخ طبری ،دارالتراث العربی،بیروت ،لبنان ،1387ه ق

6-مقتل الحسین :عبدالرزاق مقرم،دار الکتاب الاسلامی ،بیروت ،1399ه ق

7-حسینی طهرانی،سیدمحمد حسین، لَمَعَاتُ الحسین،قم؛انتشارات صدرا،چاپ دوم،1407ه.ق

8-صاحبی،محمد جواد،تفسیر تاریخ سرخ،انتشارات پازینه،چاپ سوم ،1385ه.ش

7-پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،زیر نظر:سید علیرضا واسعی، نگاهی نو به جریان عاشورا،قم؛موسسه بوستان کتاب،چاپ دوم،1385ه.ش

7-مطهری،مرتضی،حماسه حسینی ج1،قم انتشارات صدرا،چاپ دهم،1366ه.ش

1. -طلبه پایه پنچم،مدرسه علمیه حضرت فاطمه معصومه(سلام الله علیها)،هشتگرد [↑](#footnote-ref-1)
2. -محمد جواد صاحبی،تفسیر تاریخ سرخ،ص311،تا،ص313 [↑](#footnote-ref-2)
3. -سوره آل عمران،178 [↑](#footnote-ref-3)
4. -محسن قرائتی،تفسیر نور [↑](#footnote-ref-4)
5. -تحف العقول، ص245 [↑](#footnote-ref-5)
6. -محمد جواد صاحبی،تفسیرتاریخ سرخ،ص255 [↑](#footnote-ref-6)
7. -تاریخ طبزی ،جلد پنج،ص427تا 428 وارشاد ص235 [↑](#footnote-ref-7)
8. -مقتل الحسین(علیه السلام)،ص219 [↑](#footnote-ref-8)
9. -ابوالفضل بهشتی،فلسفه وعوامل جاودانگی نهضت عاشورا،ص94 [↑](#footnote-ref-9)
10. -همان ،ص186 [↑](#footnote-ref-10)